

شهر

ارزش‌های پنهان معماری نراق در پاسخ به مسئله مسکن امروز

بازخوانی الگوی «خانه‌محله»

در بافت تاریخی نراق

محمودمردادی‌نراقی

شهردار سابق شهر تاریخی نراق

در روزگاری که بحران مسکن، گسترش آپارتمان‌سازی‌های کم‌هویت و کاهش پیوندهای همسایگی به یکی از چالش‌های جدی شهرهای کوچک و بزرگ تبدیل شده است، بازخوانی تجربه‌های بومی معماری می‌تواند راهی برای یافتن پاسخ‌هایی انسانی و متناسب با شرایط امروز باشد.

بافت تاریخی نراق، به‌ویژه الگوی سکوتنی «خانه‌محله»، نمونه‌ای ارزشمند از این تجربه بومی است. این الگو نشان می‌دهد معماری سنتی صرفاً یادگاری از گذشته نیست، بلکه در درون خود راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های سکونت، حفظ حریم خانوادگی، تقویت همبستگی اجتماعی، سازگاری با اقلیم و ارتقای کیفیت زندگی شهری دارد؛ راهکارهایی که می‌توانند در طراحی و سیاست‌گذاری مسکن امروز نیز مورد توجه قرار گیرند.

شهر تاریخی نراق از جمله شهرهایی است که ارزش‌های معماری و شهرسازی آن، فراتر از بناهای تاریخی و عناصر کالبدی قابل مشاهده است. در دل این بافت کهن، تجربه‌ای انباشته از زندگی جمعی، مدیریت اقتصادی خانوار، سازگاری با شرایط اقلیمی و سازمان اجتماعی محله‌ای شکل گرفته است؛ تجربه‌ای که در طول زمان و براساس نیازهای واقعی ساکنان پدید آمده و می‌تواند در مواجهه با مسائل امروز شهر و مسکن بازخوانی شود.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تجربه، الگوی سکوتنی «خانه‌محله» است. در این الگو، چند خانواده در مجموعه‌ای پیوسته و در عین حال مستقل زندگی می‌کردند. خانه‌محله نه یک خانه منفرد بود و نه یک مجتمع آپارتمانی به معنای امروزی، بلکه ساختاری میان‌مقیاس بود که می‌کوشید میان استقلال خانواده، حفظ حریم خصوصی، همزیستی اجتماعی و استفاده مشترک از برخی فضاها و زیرساخت‌ها تعادل برقرار کند. اهمیت این الگو زمانی آشکارتر می‌شود که آن را با وضعیت امروز مسکن مقایسه کنیم. در دهه‌های اخیر، بسیاری از شهرها با رشد ساخت‌وسازهای یکپارخت، کاهش کیفیت فضاهای باز، تضعیف روابط همسایگی و بی‌توجهی به هویت بومی مواجه شده‌اند. در چنین شرایطی، مسئله مسکن دیگر صرفاً به تأمین یک واحد ساختمانی محدود نمی‌شود، بلکه کیفیت زندگی، تعلق مکانی، امکان تعامل اجتماعی، کاهش هزینه‌ها و حفظ کرامت خانواده‌ها نیز باید در کانون توجه قرار گیرد.

بررسی نمونه‌های خانه‌های چندخانواری در بافت تاریخی نراق نشان می‌دهد الگوی خانه‌محله بر چند اصل اساسی استوار بوده است. نخست، صرفه‌جویی اقتصادی از طریق اشتراک در دیوارها، مسیرهای دسترسی، برخی فضاهای خدماتی و زیرساخت‌ها؛ دوم، تقویت روابط اجتماعی از طریق فضاهای مشترکی مانند حیاط مرکزی، ششلی، «دالان» و غرضه‌های نیمه‌خصوصی؛ و سوم، اعتراف‌پذیری فضایی در برابر تغییرات جمعیتی و نیازهای متفاوت خانوار.

در چنین الگویی، خانه فقط محدوددهای بسته و جدا از محیط پیرامون نبود، بلکه بخشی از یک نظام سکوتنی و اجتماعی گسترده‌تر محسوب می‌شد. خانواده‌ها ضمن حفظ استقلال و حریم شخصی خود، از امکانات مشترک بهره می‌بردند و در شبکه‌ای از روابط همسایگی، حمایت اجتماعی و شناخت متقابل زندگی می‌کردند. این ویژگی، در شرایط امروز که بخشی از زندگی شهری با گسست اجتماعی و افزایش احساس تنهایی همراه شده است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. نمونه شاخص این الگو را می‌توان در «خانه‌محله ترابی‌ها» در محله بالای نراق مشاهده کرد. این مجموعه، نمونه‌ای قابل توجه از پیوند میان کالبد معماری و سازمان اجتماعی زندگی خانوادگی است.

در ایسن خانه‌محله، عناصری مانند راه‌رو و دالان صرفاً فضاهایی برای عبور و دسترسی نبودند، بلکه در تنظیم رابطه میان فضای عمومی کوچه و فضای نیمه‌خصوصی خانه نقش مهمی ایفا می‌کردند. ورود به خانه از طریق این مسیرها به‌صورت تدریجی و همراه با رعایت سلسله‌مراتب فضایی انجام می‌شد؛ ویژگی‌ای که با فرهنگ حریم‌داری و احترام به فضای خانوادگی پیوندی عمیق داشت.

حیاط مرکزی نیز در این نوع سکونت، جایگاهی فراتر از یک فضای باز ساده داشت. این حیاط محل تأمین نور و تهویه و ایجاد آسایش اقلیمی بود و هم‌زمان به‌عنوان فضایی برای تعامل اجتماعی، گفت‌وگو، بازی کودکان و نظارت طبیعی میان ساکنان مورد استفاده قرار می‌گرفت. به بیان دیگر، حیاط مرکزی در خانه‌محله نقشی شبیه به یک میدان کوچک خانوادگی و محله‌ای داشت؛ فضایی که زندگی روزمره در پیرامون آن شکل می‌گرفت و روابط اجتماعی در آن تقویت می‌شد.

از منظر اقتصادی نیز خانه‌محله واجد اهمیت قابل توجهی است. اشتراک در برخی فضاها و زیرساخت‌ها می‌توانست هزینه‌های ساخت، نگهداری و بهره‌برداری را کاهش دهد. این شیوه را می‌توان نوعی «اقتصاد مقیاس» در معماری بومی دانست؛ مفهومی که امروزه در سیاست‌گذاری مسکن اجتماعی، توسعه پایدار و طراحی مجموعه‌های سکوتنی مشارکتی نیز مورد توجه قرار دارد. معماری سنتی نراق، بدون آنکه از واژگان تخصصی امروز استفاده کند، در عمل به راهکارهایی دست یافته بود که با بسیاری از اصول معاصر در حوزه مسکن و شهرسازی همخوانی دارد. از این رو، مطالعه این تجربه‌ها می‌تواند فراتر از یک نگاه تاریخی یا نوستالژیک، زمینه‌ای برای شناخت ظرفیت‌های بومی و استفاده خلاقانه از آنها در برنامه‌ریزی آینده باشد. البته بازخوانی خانه‌محله به معنای بازگشت صرف به گذشته یا تکرار شکل و ظاهر معماری قدیم نیست. آنچه اهمیت دارد، شناخت اصول نهفته در این الگو و تطبیق آنها با نیازهای امروز است. در طراحی مسکن معاصر می‌توان از مفاهیمی مانند فضاهای باز مشترک، حیاط‌های نیمه‌خصوصی، مسیرهای دسترسی انسانی، مقیاس مناسب، حفظ حریم خانوار، امکان تعامل همسایگان و اشتراک هوشمندانه برخی خدمات بهره گرفت، بی‌آنکه ضرورت داشته باشد شکل ظاهری بناهای گذشته عیناً تکرار شود.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

در نشست تله‌های فضایی فقر؛ پیشگیری و پیش‌نگری برای رهایی از آنها مطرح شد

شهر فقرا را به حاشیه می‌راند

کمال اطهاری: نظام شهرسازی و مالی ایران تله‌های فضایی فقرا بازتولید می‌کند



قانون کم نداریم، مدل نداریم

بخش دیگری از سخنان اطهاری به نقد قانون‌گذاری در ایران اختصاص داشت. او معتقد است مسئله اصلی کمبود قانون نیست، مشکل این است که پیش از قانون‌گذاری، یک مدل منسجم وجود ندارد و هر دستگاه برای خودش مقررات تولید می‌کند. او گفت نهادسازی با قانون‌گذاری یکی نیست. نهادسازی یعنی ابتدا مشخص شود اجزای یک نظام چگونه باید کنار هم کار کنند و بعد قانون در خدمت همان مدل قرار گیرد. اطهاری از «خوشه نهادی» و «مکملیت نهادی» گفت؛ یعنی سیاست مسکن نباید سیاست صنعتی را خنثی کند و سیاست بانکی نباید در جهتی حرکت کند که زمین و ساختمان تمام منابع را جذب کند. او یکی از نمونه‌های این کسب‌خطکی را تبدیل مسکن به «لوکوموتیو اقتصاد» دانست. به گفته او در چنین مدلی، منابع پولی و مالی به سمت زمین و ساخت‌وساز هدایت می‌شوند و بخش‌های مولد، ضعیف‌تر می‌شوند. در نهایت هم بازار مسکن قفل می‌شود و هم اقتصاد تراکم‌فروشی نیز از نگاه او بخشی از همین چرخه است.

اطهاری گفت نمی‌توان از پیشگیری از فقر شهری حرف زد اما مدل تأمین مالی شهر همچنان به ساخت‌وساز و تراکم وابسته باشد. او رویکرد رایج در مواجهه با سکونتگاه‌های غیررسمی را نیز نقد کرد. از نظر او سیاست عمومی بیشتر پس از شکل‌گیری فقر وارد عمل می‌شود؛ خدمات می‌دهد، بارانه می‌دهد، پروژه عمرانی تعریف می‌کند اما کمتر سراغ سازوکاری می‌رود که فقر را تولید کرده است. او اذعان داشت پیشگیری و پیش‌نگری باید پیش از شکل‌گیری سکونتگاه غیررسمی، وارد سیاست‌گذاری شود؛ یعنی سیاست مسکن با سیاست اجتماعی هماهنگ باشد. توسعه روستایی با آمایش سرزمین پیوند بخورد. نظام بانکی به کمرآمدها دسترسی نهد؛ بازار رسمی زمین نیز برای آنها قابل ورود باشد. رمضانی نیز توضیح داد سند جدید توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تلاش کرده همین حلقه‌ها را به هم متصل کند. به گفته او این سند که تدوین آن از سال ۱۳۹۹ آغاز شد و در سال ۱۴۰۲ به تصویب هیئت دولت رسید، حاصل چند دهه تجربه سیاست‌گذاری در این حوزه است. او سه مقطع اصلی را در این مسیر برشمرد: سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در ابتدای دهه ۱۳۸۰، سند بازآفرینی شهری در دهه ۱۳۹۰ و سند جدیدی که قرار است پیوند میان سیاست اجتماعی و برنامه‌ریزی فضایی را جدی‌تر کند. به گفته رمضانی، سند نخست برای حدود ۱۱۵ تا ۱۱۵۰ شهر طرح به‌سازری تعریف کرد و در مرحله بعد نیز برنامه ملی بازآفرینی ۱۳۳۴ محله را وارد برنامه اقدام کرد.

محله فقیر فقط کتابخانه نمی‌خواهد

اطهاری یکی از پیشنهادهای مشخص خود را ایجاد «مرکز توسعه محلی» در محلات کمرآمد مدل عنوان کرد؛ مرکزی که فقط کتابخانه یا فرهنگسرا نباشد و بتواند دسترسی به اینترنت، آموزش، کارایی و مهارت‌آموزی را هم‌زمان فراهم کند. او حتی از ایده «ابزارخانه» گفت؛ جایی که ابزارهای حرفه‌ای و پیشرفته مانند کتاب به جوانان امانت داده شود تا بتوانند مهارت یاد بگیرند و وارد بازار کار شوند. از نگاه اطهاری اگر اقتصاد دانش فقط در شهرهای علمی و میان گروه‌هایی رشد کند که از ابتدا به آموزش

باکیفیت دسترسی داشته‌اند، شکاف فضایی بیشتر می‌شود.

او گفت توسعه دانش‌بنیان باید تا سطح محله برسد. ساکن یک سکونتگاه غیررسمی نیز باید بتواند از همان فناوری، آموزش و شبکه‌هایی استفاده کند که در اختیار گروه‌های برخوردار است.

منطقه ۲۲: فرصت دانشی که به ساخت‌وساز رسید

اطهاری منطقه ۲۲ تهران را نمونه‌ای از تغییر مسیر توسعه شهری دانست. به گفته او این منطقه قرار بود بخشی از قطب تکنولوژیک تهران باشد اما مسیر توسعه آن به سمت ساخت‌وساز گسترده و پروژه‌های بزرگ تجاری رفت. از نگاه او این تغییر فقط یک تصمیم شهرسازی نبود؛ نشانه غلبه اقتصاد زمین و ساختمان بر اقتصاد دانش بود. او گفت وقتی مدل توسعه روشن نباشد، حتی ظرفیت‌هایی که می‌تواند به توسعه فناوری و اشتغال دانش‌بنیان اختصاص پیدا کنند به زمین و تراکم و ساخت‌وساز تبدیل می‌شوند.

روستا را با جاده نمی‌توان نگه داشت

اطهاری در بخش دیگری از سخنانش به توسعه روستایی پرداخت و نگاه قدیمی برای جلوگیری از مهاجرت را نقد کرد. به گفته او این تصور که با ساخت جاده و تأمین برق و خدمات می‌توان جمعیت را در روستا نگه داشت کافی نیست. او اذعان داشت افزایش بهره‌وری کشاورزی در روند توسعه الزاما به افزایش اشتغال کشاورزی منجر نمی‌شود و به همین دلیل، توسعه روستایی نباید با توسعه کشاورزی یکی گرفته شود. از نظر اطهاری، روستا باید به شبکه‌های اقتصادی و دانشی وصل شود و منظومه‌های روستایی شکل بگیرند، در غیر این صورت با تشدید خشک‌سالی و کاهش فرصت‌های اقتصادی تخلیه روستا ادامه پیدا می‌کند. کشاورزی هوشمند نیز از نمونه‌های مورد تأکید او بود. اطهاری گفت مکانیزاسیون به‌تنهایی می‌تواند مصرف منابع را بیشتر کند اما هوشمندسازی و استفاده از سنسورها می‌تواند مصرف آب را کاهش دهد. به همین دلیل بحران آب نیز از نگاه او بخشی از مسئله توسعه است، نه صرفا پیامد خشک سالی.

مدیریت یکپارچه‌ای که وجود ندارد

یکی دیگر از محورهای نشست، نقد نظام بخشی برنامه‌ریزی در ایران بود. رمضانی گفت در ساختار موجود یک دستگاه درباره کالبد و زمین تصمیم می‌گیرد و دستگاه دیگر درباره سیاست اجتماعی. همین گسست باعث می‌شود برنامه‌های مسکن نیز لزوماً به گروه‌های کمرآمد نرسند. در سند جدید تلاش شده با «بسته‌های سیاست اجتماعی مکان‌محور» این فاصله کاهش پیدا کند. همچنین برنامه جامع پیشگیری و پیش‌نگری در مقیاس استانی تعریف شده و قرار است از مسیر شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان وارد نظام اجرایی و بودجه‌ای شود. اطهاری نیز تأکید کرد مدیریت یکپارچه به این معنا نیست که همه بودجه دستگاه‌ها به شهرداری یا یک وزارتخانه داده شود؛ مسئله هماهنگ‌کردن تصمیم‌ها در یک مدل واحد است. از نگاه او یکی از ریشه‌های شکست برنامه‌ریزی فضایی در ایران همین است که هر دستگاه بودجه و پروژه خود را دنبال می‌کند و در نهایت مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده شکل می‌گیرد که لزوماً یکدیگر را تکمیل نمی‌کنند.

شهرسازی بدون سیاست اجتماعی، فقرا بازتولید می‌کند

سکونتگاه غیررسمی یک مسئله صرفاً کالبدی نیست و با ساخت خیابان و آسفالت و خدمات محله‌ای نیز به‌تنهایی حل نمی‌شود. اطهاری می‌گوید تا زمانی که نظام بانکی کمرآمدها را نپذیرد، نظام شهرسازی برای آنها زمین و ضابطه قابل دسترس نداشته باشد. آموزش و کارایی به محله نرسد و اقتصاد کشور نتواند فرصت شغلی مولد ایجاد کند. فقر در همان نقاط دوباره تولید می‌شود.

گزارش

پارک‌های بی‌بازی

شرق: بررسی زمین‌های بازی شش پارک تهران نشان می‌دهد با وجود تفاوت جدی میان نیاوران، قیطریه، ملت، لاله، ساعی و گفت‌وگو، الگوی بازی کودکان تقریباً یکی است؛ چند سازه پلاستیکی و پیش‌ساخته روی کف‌پوش‌های مصنوعی. در همین پژوهش، ۵۳ درصد کودکان فضاهای شبیه طبیعت را ترجیح و ۸۱ درصد والدین به الگوهای طبیعی‌تر رای داده‌اند. هیچ‌یک از والدین نیز زمین بازی سنتی متکی بر تاب و سرسره را برای آینده انتخاب نکرده است.

پارک ملت شبیه نیاوران نیست و قیطریه به با شیب و درختان قدیمی‌اش تجربه‌ای متفاوت از لاله و ساعی دارد. اما وقتی به زمین بازی کودکان می‌رسیم، بخش زیادی از این تفاوت از بین می‌رود؛ چند تاب و سرسره و سازه رنگی که می‌تواند در هر پارک دیگری هم نصب شود.

در گزارش «طراحی منظر برای کودکان؛ ارتقای کیفیت فضای بازی کودکان در شهر» که مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران آن را منتشر کرده، شش پارک نیاوران، ساعی، قیطریه، لاله، گفت‌وگو و ملت بررسی شده است. نتیجه اصلی این است که زمین بازی در این پارک‌ها بیشتر با «تجهیزات» تعریف شده تا با طراحی فضایی برای بازی. مصالح طبیعی سهم کمی دارند و ویژگی هر پارک کمتر وارد طراحی زمین بازی شده است. مشکل فقط ظاهر وسایل نیست، فضای بازی گروهی و بازی آرام و فعالیت اکتشافی محدود است و درخت، سنگ، شن، آب و ناهمواری طبیعی کمتر بخشی از بازی شده‌اند. این در حالی است که نیاوران و قیطریه به دلیل شیب و پوشش گیاهی و ملت و ساعی به دلیل فضای بازتر، ظرفیت‌های متفاوتی برای طراحی دارند.

دسترسی نیز در همه پارک‌ها یکسان نیست. ساعی و ملت وضعیت بهتری برای حرکت کالسکه و افرارد دارد؛ محدودیت حرکتی دارند اما داخل برخی مسیرهای دویدن و دوچرخه با حرکت کودکان می‌تواند خطر برخورد ایجاد کند. در نیاوران و قیطریه شیب زمین مسئله اصلی است. در گفت‌وگو محدودیت فضا و در لاله ضعف نشانه‌گذاری از مشکلات ثبت‌شده است.

بخش نظرسنجی فاصله میان زمین‌های موجود و خواسته کاربران را روشن‌تر می‌کند. ۵۳ درصد کودکان الگویی را انتخاب کرده‌اند که از طبیعت تقلید می‌کند و در آن عناصری مانند آب، تپه، شن، ماسه و چوب حضور بیشتری دارد.

انتخاب والدین طبیعی‌تر بوده است. ۴۱ درصد مدل تلفیقی طبیعت و تجهیزات و ۴۰ درصد الگویی با حضور پررنگ طبیعت را ترجیح داده‌اند. یعنی ۸۱ درصد والدین به دو مدل طبیعی‌تر رای داده‌اند. هیچ‌یک از آنها زمین بازی سنتی متکی بر تاب و سرسره و تجهیزات ثابت را به عنوان گزینه مطلوب آینده انتخاب نکرده است.

ارزاییبی کودکان از شش پارک نیز یکسان نبوده است. پارک ملت با میانگین رتبه ۱۸.۵۶ بالاترین ارزیابی را گرفته و پس از آن لاله با ۱۴.۱۰ و گفت‌وگو با ۱۳.۲۲ و قیطریه با ۱۲.۸۸ و ساعی با ۱۲.۰۵ قرار گرفته‌اند. نیاوران با ۱۱.۴۰ پایین‌ترین رتبه را داشته است.

تحلیل آماری گزارش نشان داده مدت حضور کودک در زمین بازی به‌تنهایی نشانه رضایت نیست. تنوع وسایل، ایمنی و وضعیت تجهیزات بر ارزیابی کودکان اثر داشته‌اند اما طول مدت ماندن در پارک اثر معناداری نداشته است.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب **وحید رحیمی** فرزند **ولی** به شماره شناسنامه ۲۰۵۹۸ صادره از کرج مقطع کاردانی بیوسنه رشته کامپیوتر-نرم افزار کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۳۹۱۱۱۵۰۰۰۸۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی **کرج_انتهای رجایی شهر، تقاطع بلوار مودن و استقلال** صندوق پستی ۳۱۳-۳۱۴۸۵ ارسال نمایند.

برگ سبز و سند کمپانی سواری هاچ بک چانگان

مدل ۲۰۲۵ به رنگ سفید روغنی به شماره شاسی LS4ASE2E1SA215454 و شماره موتور LS4ASE2E1SA215454 و شماره پلاک JL473ZQ7SN8DU018L19
۹۴ب۱۵۶ ایران **۷۰** به نام **مانده نیکخوفر د**
مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

آگهی مجمع عمومی عادی

انجمن سالمندشناسی و طب سالمندان ایران

به موجب ماده ۱۲ اساسنامه انجمن مجمع عمومی عادی در تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ ساعت ۱۴:۰۰ در دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی جهت استماع گزارش هیات مدیره و انتخاب اعضا کمیته نظارت بر انتخابات تشکیل خواهد شد.

رئیس انجمن علمی سالمندشناسی و طب سالمندان ایران

برگ سبز و سند کمپانی سواری رنولتوگان L90

مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید روغنی به شماره شاسی NAPLSRALDA1153950 و شماره موتور W105698 پلاک ایران **۸۸ - ۱۲۲۴۲** به نام **عباس قدیمی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند

انتشارات «فرا درمان»

به مدیر مسئولی ندا سنجری

به شماره پروانه ۱۶۸۷۱ به اسم «ندای زروان»

تغییر نام داده شد.

پلاک عقب کامیون بین کمپرسی مدل ۱۳۸۴ به رنگ

نارنجی روغنی به شماره شاسی ۳۷۴۳۵۱۶۶۰۶۴۰۰ و شماره موتور **۳۳۵۹۳۲۱۰۰۳۶۵۹** شماره پلاک ایران **۱۱_۱۲۸ع۵۵** به نام **شرکت سایر نیرو (ساب نیرو)** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

برگه کمپانی، فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو

وانت مزد ابی ۲۰۰۰ای رنگ سفید- روغنی
به نام آقای فرشاد یزدانی
با شماره موتور۳۷۹۶۹
FEA۳۷۹۶۹
و شماره شاسی NAGP۲PC۱GA۲۲۶۶۷
با شماره پلاک ۷۷ ایران **۱۶۰۹۶۵**
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.